

### نشست یازدهم کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران برگزار شد

هیئت اجرایی کمیته کردستان ایجا نمود. به این ترتیب نشست یازدهم کمیته کردستان بعد از دو روز فعالیت فشرده و موثر به کار خود پایان داد.

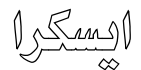
**کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران**  
۱۱ بهمن ۱۳۸۰  
۳۱ ژانویه ۲۰۰۲

در دستور جلسه دیگری کلیت نقشه عمل چهار ماهه ارائه شده از جانب دبیر کمیته کردستان مورد تصویب جلسه قرار گرفت. جلسه کمیته کردستان در بخش پایانی خود به اتفاق آرای حاضرین هیئت اجرایی ۷ نفره منتخب نشست قبلی را متشکل از رحمان حسین زاده (دبیر کمیته)، اسد نودینیان (خزانه‌دار کمیته) و عبدالله دارابی، خالد حاج محمدی، هلاله طاهری، فاتح شیخ و ایرج فرزاد را در موقعیت

مدرسی ارائه شد. بر مبنای این مبحث و به دنبال بحثهای سازنده و با اهمیت چارچوب جهت‌گیریهای سیاسی اساسی کمیته کردستان تعیین شد. به دنبال در چارچوب مباحث: حزب در کردستان و دسترسی به مردم - فعالیت نظامی - مسئله مالی و اقداماتی در راستای خودکفایی مالی تشکیلات کردستان، چند پروژه مشخص مورد بحث و تبادل نظر و تصمیم‌گیری قرار گرفتند.

یازدهمین نشست وسیع کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری در روزهای ۶ و ۷ بهمن ۱۳۸۰ (۲۶ و ۲۷ ژانویه ۲۰۰۲) با شرکت اکثریت اعضای کمیته کردستان و باحضور کورش مدرسی عضو هیئت دائم دفتر سیاسی حزب برگزار شد. بعد از تصویب دستور جلسات، ابتدا گزارش هیئت اجرایی کمیته کردستان بررسی شد. مبحث دوم تحت عنوان "مصافهای حزب کردستان" از جانب کورش

اطلاعیه دفتر سیاسی  
حزب کمونیست  
کارگری ایران  
در باره وضعیت  
بیماری رفیق  
منصور حکمت  
صفحه ۴  
مبارزه کارگران خباز،  
یک جمع بندی کوتاه  
صفحه ۳



**سر دبیر:** ایرج فرزاد  
iraj\_farzad@yahoo.com  
**تلفن:** ۰۰۴۶۷۰۳۶۸۸۵۱۱  
**فاکس:** 00448701687574  
**آدرس:**

K.F.K.S  
Box 15203  
104 65 Stockholm  
پست گیزو: ۱۶۷۸۴۷۱-۲

**رادیو انترناسیونال**  
هر شب  
۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه  
بوقت تهران  
طول موج  
۴۱ متر برابر با  
۷۵۲۰ کیلوهرتز  
تلفن:

۰۰۴۴ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹  
اطلاعات و پیامگیر رادیو:  
۰۰۴۴۲۰۸۹۶۲۲۷۰۷  
روزهای یکشنبه  
نیم ساعت به  
زبان کردی

### وقتی پرده‌ها را از روی دوخردادها برمی‌شکنند

ایرج فرزاد  
خردای در مراسم سالروز مرگ بازرگان به توصیه فلاحیان عمل کرد و هشدار او را تکرار کرد که: "چون پرده درافتد، نه تو مانی نه من" و وقتی سران رسالتی دیدند که جنابان مقامات سابق و اسبق امنیتی به منبر صفحه ۲

می‌آید، یک توضیح "فلسفی" و نیز سیاسی از حرکات علیه جمهوری اسلامی بدست دهند و بر اساس آن پاپوش همیشگی جمهوری اسلامی را برای هر حرکت اعتراضی بدوزند. اخیراً روزنامه رسالت در رابطه با شرکت برخی از قهرمانان دو

فلسفه وجودی طیفی از مقامات امنیتی سابق و اسبق جمهوری اسلامی و اقتصاددانان وزارت اطلاعاتی که خبرگی شان بیشتر در حیطه مسائل امنیتی است تا اقتصادی و اجتماعی، همواره این بوده است که با هر معضلی که برای جمهوری اسلامی پیش

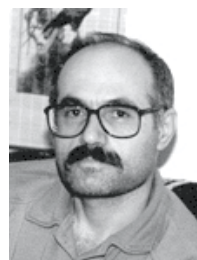


### مختصری در باره تجارب سندیکائی در کردستان

شد. این سندیکا تا موقع انقلاب ۱۳۵۷ سندیکای مختلط کارگر و کارفرما بود. پس از انقلاب سندیکا مستقل از کارفرماها، یک هیئت رئیسه کارگری انتخاب کرد و به خانه کارگر پیوست. با حمله رژیم به کردستان از خانه کارگر برید و مستقل شد. شرایط عضویت در این سندیکا بر اساس اساسنامه قدیمی آن عبارت است از:  
مدت کار طولانی بعنوان خمیرگیر، شاطر و غیره، تاییدیه ۳ کارگر، معرفی نامه کارفرما، تقاضانامه کتبی، عکس و مبلغی پول یا حق عضویت...  
سندیکا در مقابل به کارگران کارت عضویت و دفترچه بیمه و خدمات درمانی میدهد و صفحه ۲

و پروژه‌های و متعاقباً اتحادیه کارگران صنعتی در سنندج و غیره از این جمله‌اند. اغلب این سندیکاهای دارای شرکت تعاونی و اعضا و اعتبار مالی قابل توجهی بوده‌اند. بیشتر این سندیکاهای بعداً عملاً تعطیل و یا غیر فعال شدند. اما سندیکای خبازان تا کنون سر پا مانده و اخیراً برای دفاع از حقوق کارگران فعال شده است.  
مختصری در باره این سندیکا:::  
سندیکای خبازان سنندج از قدیمی ترین سندیکاهای کارگری در کردستان است. این سندیکا در سال ۱۳۴۴ با حدود ۱۰۰۰ عضو و شرکت تعاونی ای با اعتبار دو میلیون و نیمی تاسیس

دستور کار فوری و عاجل کارگران و رهبران کارگری قرار داده است. جنبش سندیکائی در ایران تاریخش برمیگردد به سالهای ۱۹۰۰. در آن دوره حدود ۲۵ درصد کارگران ایران عضو اتحادیه بودند. اتحادیه کارگران چاپخانه‌های تهران بخش پیشرو آنها بود. همچنین کارگران برای یک دوره تشکلهای سراسری تری مانند دفتر مرکزی اتحادیه‌های کارگری و یا شورای اتحادیه‌های کارگری تهران داشتند. کارگران در کردستان هم دارای تجاربی در این زمینه هستند. سندیکای کارگران خباز، سندیکای خیاطان، سندیکاهای کارگران گرمابه‌ها، کارگران غذاخوریها، قصابها، اتحادیه کارگران فصلی



مظفر محمدی

تجارب دوره اخیر سندیکای خبازان در کردستان و مبارزه سندیکای خبازان سفر برای دفاع از حقوق کارگران در مقابل تعرض استانداری کردستان بار دیگر مساله تشکل و اتحاد کارگری را برای مبارزه بر علیه بیحقوقی مطلق کارگران در

## مختصری در باره تجارب سندیکائی

کارگران به عضویت تعاونی مصرف و صندوق سندیکا در میآیند و میتوانند کمک مالی از صندوق تقاضا کنند. تشکیلات سندیکا شامل هیئت مدیره با یک رئیس و دو دستیار، معمولاً از شاطرها و بازنشسته‌ها بدلیل سابقه کار و تخصص و گاهای اتوریته‌شان است. برای تعیین هیئت رئیسه سالانه انتخابات بعمل میآید. همچنین سندیکا در فاصله‌های طولانی مجامع عمومی تشکیل میدهد تا به شکایات رسیدگی کند، خزانه‌ها حسابرسی و بر سر شرایط کار و میزان دستمزد و بهداشت و امنیت محیط کار صحبت کنند

در این سندیکا گاهی شرکت تعاونی بیشتر مورد توجه است و دخالت کارگران در آن بیشتر است. در مجمع عمومی تعاونی، کارگران در حسابرسی و نظارت بر کار آن و انتخاب هیئت

مدیره آن فعالیت دارند. در سندیکای خبازان هم مثل هر جای دیگر به نسبتی که کارگران به مجمع عمومی و دخالت جمعی متکی بوده اند، موفقیت بیشتری بدست آورده اند.

کلا فعالیت سندیکایی در کردستان نسبتاً ضعیف و وظایف سندیکاها محدود و سندیکا کمتر ابزار مبارزه کارگران علیه بیحقوقی است که به آنها تحمیل شده و میشود. قاعدتاً سندیکاها خود را موظف میدانند که برای بیمه‌های اجتماعی، بیمه درمانی، امنیت شغلی و کربابی، بهداشت محیط کار، ساعات کار و تعطیلی و مرخصی‌ها ... کار کنند. اما اساس کار برای این خواستها گفتگو با کارفرما و تکیه بر وعده‌های آنها و یا سکوت در مقابل تهدیدهایشان به اخراج کارگران بوده است. اما سندیکا بهر حال پاتوق کارگران است. همین جمع شدن

کارگران در محل سندیکا و گپ زدن بر سر خواستها و حتی مسایل سیاسی روز و برگزاری مراسم های اول مه و یا وجود شرکت تعاونی کمک خوبی به کارگران بوده است. مواضعی که کارگران تا کنون داشته و کماکان دارند، عبارتند از:

سندیکاها بوروکراتیک و از بالا اداره میشوند و هیئت رئیسه ۲-۳ نفره آن همه کاره است. سندیکاها به مجامع عمومی کارگری و دخالت دایمی کارگران متکی نیست.

بعضی از شاطرها در ناواخانه با کارفرما سهم اند و یا حضوربازنشسته‌هایی حتی در راس سندیکا که دیگر منافی در محل کار سابق و سندیکا ندارند و به کارهای دیگری از قبیل رانندگی و غیره مشغولند. شیوه حل اختلاف کارگر و کارفرما ریش سفیدانه و به اصطلاح نه سیخ بسوزد، نه

کباب است. شرط عضویت متخصص بودن و سابقه کار طولانی است و کارفرما کارگر جدید را معرفی نمیکند چون میگوید به ضررش است و بعداً نمیتواند به آسانی او را اخراج کند. کارگران اتوماتیک عضو نمیشوند.

سندیکا ابزار مبارزه نیست در حالیکه همین کارگران خباز، ساعت کار طولانی دارند، تعطیلی و مرخصیشان کم و کار کنتراتی و اضافه کاری زیاد میکنند و سندیکا دخالتی ندارد.

سندیکاها با هم ارتباط ندارند

در مواردی هم بعضی از کارگران برخورد چپ و نسنجیده به اتحادیه و سندیکا میکنند و میزان آمادگی و ظرفیت مبارزاتی کارگران را در نظر نمیگیرند. و این باعث میشود که کارگران ناآماده از سندیکا بریده و یا مبارزات به سرانجام

نرسند. با وجود اینها میتوان سندیکاها را موجود را زنده و قوی نگه داشت به شرطیکه اولاً به مجامع عمومی کارگران متکی باشند، مثلاً حداقل ماهی یک بار مجمع عمومی برگزار کنند.

عزل و نصب هیئت رئیسه سندیکا دست کارگران باشد و هروقت بخواهند بتوانند این کار را انجام دهند.

سندیکا ابزار مبارزه کارگران باشد و خواسته‌هایش روشن باشد، بخصوص در مورد افزایش دستمزدها، بیمه بیکاری، ساعت کار، قانون کار و دیگر مطالبات رفاهی فوری کارگران.

عضوگیری آزاد و احتیاج به سابقه کار و تایید و معرفی کارفرما نباشد...

با این کارها سندیکاها قوی و موفق تر میشوند.

۲ دی ماه ۱۳۸۰



## وقتی پرده‌ها را

رفته اند و در رسای بازگان نغمه سرائی میکنند و به این ترتیب خواستند که نقش خود را در افتضاحات و جنایات "نظام" درز بگیرند، چنین نوشتند:

"دنیای امروز ما دنیای شور و شیرین است و به قرائتی رنگین، اظهارات رنگ به رنگ آقای مهاجرانی وزیر برکنار شده ارشاد در مراسم سالمرگ مرحوم بازگان، و حضور تنی چند از مقامات امنیتی سابق و اسبق، نمایندگان مجلس، فضای حسینیه ارشاد را رنگارنگ! کرده بود. علی الخصوص آنکه حضور آقایان عطریانفر و حجاریان! دارای پیامهای خاص خود بود و به نوعی برای نسلی که در دهه ۶۰ ایام صباوت را می گذرانیدند و اکنون جوانی رشید و صاحب رای آن هم از نوع اولی‌ها هستند، عبرت آمیز و درس آموز است، چه آنکه:

- چه آسان است که بر صندلی مدیریت ساحانان! در دهه شصت تکیه زد،

حزب توده نقش بسزائی میتوانست داشته باشد، اگر رادیکالیسم جریانات "افراطی" از صحنه سیاست ایران منزوی میشد. روزنامه رسالت به عمد و از سر منافع نظام نخواستند است از این سطح فراتر رود و جایگاه و موضع آقایان حجاریان و امثال رییس دانا را در جریان کشتارهای سال ۶۰ دست نشان کند. نخواستند است یکباره بیل را زیر کل طیف دو خرداد بگیرد، چه که خود گوشه چشمی به اخطار فلاحیان دارد که با کنار زدن همه پرده‌ها، نه تنها دو خردادپها که خود آنها هم "نمی ماندند".

در این رابطه قدری عجیب است که "اصلاحات" و اصلاح طلبان که پرچم آن اکنون از دست دو خردادپها افتاده است و علمداری آن را رسانتی‌ها را بر عهده گرفته اند، در جریان اعتراضات و تحصن های معلمان، پاک الکن شدند و بحثی از ریشه بایبهای امنیتی و دخالت اسرائیل و ملاقات معلمین با ماموران موساد را به میان نیاوردند!! آخر معلمان هم شعار دادند: "گفتگوی تمدن، با با توم، آرامش مجلس و مجلسیان را بهم زدند و به هیچ اخطار و تهدیدی هم وقعی ننهاده و تجمعات "غیرقانونی" خود را

ادامه دادند و مستقیماً در برابر کل رژیم ایستادند. چه شد که این حضرات به فلسفه وجودی خود یعنی وقتی که رژیم و موقعیت خاتمی به تنگنا میرسد و اینها علی القاعده مبیایست سپر بلا میشوند، عمل نکردند؟ از "اصلاحات" مایوس شده اند و یا متوجه شده اند که طیف اپوزیسیون پرو رژیم هم دیگر امیدی به آنها ندارد؟ شاید هم وارد شدن به تقابل با مبارزه معلمان و یا همسو شدن با آن از چهارچوب تعریف شده خارج بود، شاید قرار گرفتن در منگنه فشار اعتراضات معلمان و دفاع از نظام، انتخاب و به حرف آمدن را برایشان دشوار کرده بود. و بیچاره‌ها حق هم دارند چنین باشند چرا که اگر رنگ دفاع از اعتراضات معلمان را به خود میزدند، آنوقت کل پرونده آنها در دهه شصت و دهه های قبل در جریان اعدامها و سرکوبهای خونین خرداد شصت و سرکوبهای مردم کردستان و از جمله آن، نقش جناب "دکتر" جلالی پور و تمام دیگر دکتر، مهندس، تئوریسین و ایدئولوگهایی که به سیستم آویزان شده اند، رو میشد، همچنانکه رسالتها نپذیرفتند که امثال حجاریان، مقام امنیتی بی سیم بدست و در ماشین های بدون

شماره علیه نهضت آزادی در دهه ۶۰، از در گرامیداشت آنها در دو دهه بعد با چهره دگر اندیش و منتقد نظام وارد شوند.

اعتراضات وسیع معلمان و ادامه اعتراضات "غیر قانونی" کارگری علیه فقر و فلاکت تحمیلی رژیم کشف طفیلیهای اسلامی و آفازاده‌هایشان، آخرین میخ را بر تابوت دو خرداد و هر نوع تلاش برای اصلاح و بقای جمهوری اسلامی کوبید.

تلاش دکتر مهندسه‌های آویزان به سیستم اسلامی برای حل معضل بقا جمهوری اسلامی به شکست قطعی انجامید.

این دیگر نوبت مردم، جوانان، زنان و کارگران و انبوه توده عاصی و بجان آمده است که پرده را به یکباره از سیمای جمهوری اسلامی و همه جناحهای آن کنار زنند و هیچ راهی برای بقا این یا آن بخش حاکمیت باقی نگذارند. این پروسه با مبارزه معلمان آغاز برگشت ناپذیری یافته است. و در این رابطه آنترناتیو رادیکال کمونیسم کارگری و سیاستها و شعارهای آن، یک انتخاب واقعی در تعیین تکلیف قطعی مبارزه مردم و جمهوری اسلامی است.

بهمن ۸۰، ژانویه ۲۰۰۲



## مبارزه کارگران خباز، یک جمع‌بندی کوتاه



خالد حاج محمدی

عین حال فرمانداری سقز و سایر مقامات رژیم و کارفرمایان را ناچار کرد قول بدهند ۴ میلیون و ۱۶۰ هزار تومان بابت افزایش دستمزدها در سال ۸۰ را، به حساب سندیکای کارگران وارد کنند. بعلاوه، زمان بستن قرارداد میان صاحبکاران و دولت با نمایندگان کارگران به جای اینکه در طول سال تعیین شود، به اواسط اسفند هر سال برای تعیین دستمزد سال آتی انتقال یافت. تا همینجا کارگران دستاوردهایی داشته‌اند که در خود با ارزش است. اما در دل این مبارزه کارگران خباز با استفاده از تجارب گذشته خود و مشخصاً کمپین وسیعی که برای آزادی محمود صالحی پیش برده شد، توانستند وسیعترین پشتیبانی و همبستگی کارگری را در خود ایران جذب کنند. آنان با ایجاد گروههای تبلیغ و تدارکات، با دادن اطلاعیه و پخش وسیع آن و با خطاب قرار دادن کارگران

رشتههای دیگر و مردم در سراسر ایران، پشتیبانی وسیعی را کسب کردند. دفاع ۱۷ مرکز کارگری در ۱۲ شهر ایران از خواست کارگران خباز، نمونه برجستهای از همبستگی کارگری بود که مرزهای محلی و صنفی را در هم شکسته، افق سراسری را در مقابل خود قرار داد و با کسب پشتیبانی وسیع، اهمیت اتحاد و همسرنوشتی کارگران را به نمایش گذاشت.

خواست افزایش دستمزد در اوضاعی که مبارزات کارگری در آن دوره، عمدتاً حول پرداخت حقوقهای معوقه و اعتراض به بیکارسازیها دور میزد، به این مبارز جایگاه ویژه‌ای میداد و توقع بالاتری را در مقابل مبارزات کارگری قرار میداد.

کاربدستان رژیم همگام با صاحبکاران در طول این مدت از هیچ کوششی برای به شکست کشاندن این مبارزه دریغ نکردند. تلاش برای ساکت کردن کارگران

از طریق وعدهای توخالی، تهدید نمایندگان آنان از جانب مرکز اطلاعات رژیم و سرانجام غارت کردن شرکت تعاونی آنان با هدف پاپوش درست کردن برای فعالین این حرکت، بی‌اعتبار کردن خود سندیکا و ایجاد چند دستگی، ایجاد وقفه در مبارزات آنان، و سرانجام ضربه مالی به این تشکل، نمونههایی از توطئه‌های رژیم در این مدت بود. هیچکدام از این دسیسه‌ها نتوانست اتحاد و همبستگی کارگران را در هم بشکنند. کارگران خباز بدرستی در مجمع عمومی فوق‌العاده خود که در دوم بهمن صورت گرفت (خبر آن همان روز در اطلاعیه شماره ۷ کمیته کردستان به اطلاع رسید) و در اطلاعیه مشترک سندیکا و شرکت تعاونی به تاریخ ۵ بهمن هم اشاره شده است، غارت شرکت تعاونی را اقدامی سیاسی و مالی با هدف به شکست کشاندن مبارزات خود قلمداد کردند. و با این کار خود، نقشه رذیلانه سران رژیم را نقش بر آب کردند.

### مبارزه برای افزایش دستمزد در سال ۸۱

زمان زیادی به وقت مذاکرات برای تعیین دستمزدهای سال ۸۱ باقی نمانده است. کارگران در سراسر ایران در فکر دستمزدهای سال آتی خود هستند. مبارزه برای افزایش دستمزدها در شرایط مبارزاتی مناسبتری اتفاق می‌افتد. در این مدت مبارزات معلمین در تهران و شهرهای دیگر اتفاق افتاد که هنوز هم ادامه دارد. این مبارزات با خواستههای پیشرو و برابری طلبانه خود، با توقعات بالا و با شعارهای رادیکال و انسانیش، کل مبارزه آزادیخواهانه را در ایران وارد فاز جدیدی کرد و رژیم جمهوری اسلامی را بیش از پیش در تنگنا قرار داد. در رابطه با این مبارزات تا جایی که به شهرهای کردستان برگردد، کمبودهای جدی مشاهده شد. آنطور که انتظار میرفت معلمان و یا دیگر بخشهای آزادیخواه مردم در کردستان با تظاهرات، ارسال پیام همبستگی و انتشار

مبارزات کارگران متشکل در سندیکای کارگران خباز سقز که در اواسط آبان ماه و با خواست افزایش دستمزدها و لغو مصوبه ضد کارگری استانداری کردستان شروع شد، دستاوردهای ارزنده‌ای داشته و جا دارد به آن مروری کوتاه کرد. این مبارزات تا جایی که به خواست کارگران برمیگردد باعث شد، استانداری کردستان مصوبه ضد کارگری خود را که بر مبنای آن دستمزد کارگران از سال ۷۹ هم کمتر میشد، پس گرفته شود. در

### کمک‌های مالی به کمیته کردستان

فنانند:

مصطفی‌قادری ۱۰۰ مارک

پیروز قادری ۵۰ مارک

عبدالله قادری ۵۰ مارک

عادل فیض‌الله ۲۰۰ مارک

رضا کمانگر ۵۰ یورو

انگلستان:

فرشاد پویا ۵۰ پوند

### کمیته کردستان

رحمان حسین زاده (دبیر کمیته)

Tel: 0046 739 855 837

email: r\_hoseinzadeh@yahoo.com

### مسئول دبیرخانه کمیته کردستان

هلاله طاهری

Tel: 0046 73 61 62 211

email: halale\_taheri@yahoo.com

یک دنیای بهتر، برنامه حزب کمونیست کارگری را بخوانید و آنرا در میان دوستان و آشنایان خود وسیعاً پخش کنید

### از سایت روزنه بین کنید!

www.rowzane.com

در سایت روزنه میتوانید نشریات و اطلاعیه های سازمان های سیاسی، مقالات متعددی از شخصیت های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و گزیده ای از مطالب نشریات چاپ ایران را مطالعه کنید. از طریق سایت روزنه میتوانید به سایت کلیه احزاب و سازمان های اپوزیسیون، به رادیوهای فارسی زبان، و به نشریات چاپ ایران دسترسی پیدا کنید.

مطالب، اطلاعیه ها و نظراتتان را برای روزنه بفرستید.

rowzane@yahoo.com

### نسبیت فرهنگی

ارتجاعی است

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

## اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران اعدام یک فعال سیاسی توسط جمهوری اسلامی

بنا به اطلاعیه مورخه ۵-۱۱-۱۳۸۰ از طرف دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران یکی از پیشمرگان سابق این حزب بنام کریم توژه‌لی توسط جنایتکاران اسلامی اعدام شده است.

ارومیه تحت شکنجه قرار میگیرد. عاقبت روز پنجشنبه چهارم بهمن (۲۴ ژانویه) در محوطه اداره اطلاعات مهاباد حکم اعدام وی اجرا میشود.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران اعدام کریم توژه‌لی را توسط رژیم جنایتکار اسلامی قویا محکوم میکند و مرگ وی را به خانواده و بستگانش تسلیت میگوید. جمهوری اسلامی که با گسترش اعتراضات فزاینده و توده‌ای روبروست، با چنین اعمال جنایتکارانه‌ای قصد مرعوب کردن مردم را دارد. اما این ترفندها موثر نخواهد بود. مردم آزادیخواه ایران تصمیم خود را

کریم توژه‌لی سال ۱۳۷۵ صف نیروی مسلح حزب دمکرات را ترک میکند و جهت انتقال به کشور ثالث به عنوان پناهنده به ترکیه می‌رود. علیرغم قبول پناهندگی از جانب UN در سال ۱۳۷۷ توسط پلیس جنایتکار ترکیه به ایران برگردانده میشود، و در اینمذت در زندانهای سردشت، مهاباد و

گرفته و این رژیم بیش از پیش بر لبه پرتگاه و فروپاشی قرار گرفته است.

### مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۹ بهمن ۱۳۸۰  
۲۹ ژانویه ۲۰۰۲

### یک خبر از سقز

#### مردم مامورین رژیم را هو کردند!

روز یکشنبه ۷ بهمن مامورین رژیم در شهر سقز، وارد بازار "روژ" مشهور به "شیطان بازار" شده و بیش از ۱۰ گونی برنج را تحت این عنوان که اموال قاچاق است غصب کردند. مردم به این عمل اعتراض کرده و تا ترک محل توسط مامورین رژیم آنان را هو کردند.

اطلاعیه شماره ۱۴

#### ۱۰ نفر از معلمان ارومیه در زندان بسر میبرند

طی گزارشی که از شهر ارومیه بدست ما رسیده است، بعد از تظاهرات و راهپیمائی معلمان این شهر در روز ۶ بهمن (۲۶ ژانویه) ۱۰ نفر از آنان بوسیله نیروهای اطلاعات دستگیر میشوند. در چند روز گذشته آزادی این ۱۰ نفر به موضوع مهمی بین معلمان و مردم آزادیخواه شهر ارومیه تبدیل شده است. از آنروز تاکنون هرروز در مقابل استانداری تجمع میکنند و حکومت اسلامی را برای آزادی دوستان خود تحت فشار قرار میدهند. استاندار ارومیه تحت فشار اعتراض معلمان چندین بار قول آزادی آنها را داده است. امروز ۱۱ بهمن بار دیگر استاندار وعده داد که با مقامات امنیتی و انتظامی برای آزادی معلمان گفتگو خواهد کرد. تا لحظه دریافت این خبر معلمان کماکان در زندان ارومیه بسر میبرند.

کلیه معلمان و مردم آزادیخواه در سراسر کشور میخواهد موضوع آزادی معلمان دستگیر شده در ارومیه و سایر شهرها را به یکی از خواستهای اعتراضات خود تبدیل کنند. حزب همچنین از مجامع بین المللی و سازمانهای کارگری میخواهد جمهوری اسلامی را برای آزادی معلمان دستگیر شده در ارومیه و سایر نقاط ایران تحت فشار قرار دهند و حکومت اسلامی را بخاطر این اعمال وحشیانه و ضدانسانی شدیداً محکوم کنند.

#### مرگ بر جمهوری اسلامی

آزادی، برابری، حکومت کارگری  
زنده باد جمهوری سوسیالیستی  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۱ بهمن ۸۰  
۳۱ ژانویه ۲۰۰۲

خود را برای برپا  
کردن هر چه با  
شکوه تر مراسم  
۸ مارس،  
روز جهانی زن  
آماده کنیم!

روز جهانی زن

آماده کنیم!

#### اطلاعیه

#### در مورد وضعیت بیماری رفیق منصور حکمت

به اطلاع میرسانیم که متأسفانه بیماری سرطان منصور حکمت عود کرده و احتیاج به معالجات جدی تری است. طی مدت ممالجه رفیق حکمت، اصغر کریمی وظایف مربوط به ریاست دفتر سیاسی حزب را بعهده خواهد داشت.

اطلاعات مربوط به پیشرفت معالجه و وضعیت رفیق حکمت از طریق دفتر مرکزی حزب شماره تلفن ۷۹۵۰۵۱۷۴۶۵ قابل دسترس است.

#### دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران

۲۹ ژانویه ۲۰۰۲

اتحاد و همبستگی سراسری‌تر، وارد دور جدید از این مبارزات شد. قطعاً کارگران خباز هم همگام با کارگران بخشهای دیگر و در اتحادی سراسری با کل جنبش آزادیخواهانه، تلاش خواهند کرد با افزایش دستمزدهای خود، شرایطی انسانی‌تر و قابل تحمل‌تری را برای خود بوجود آورند.

۳۱ ژانویه ۲۰۰۲

کرده و توازن قوا را به نفع مبارزات مردم عوض کرده است. اکنون که زمان تعیینی دستمزدهای سال ۸۱ دارد فرا میرسد، جا دارد با اتکا به این دستاوردها و با تشخیص این شرایط که به مراتب از اوضاع دو ماه قبل مناسبتر است، با قدرت هر چه بیشتر و با توقعات بالاتر و در

تهران شد. اما فکر میکنم محلی‌گری و صنفی‌گری و شاید عوامل دیگری هم مانع شدند که میشود و باید در فرصتهای دیگر به آن پرداخت. اما علیرغم آن این واقعه، بحثهای وسیعی را در میان معلمین و دانش‌آموزان و سایر اقشار مردم و خود کارگران خباز دامن زده است. آنچه مسلم است این اعتراضات کل جنبش آزادیخواهانه را وارد فازی مناسبتر

و چگونه میشود برای حرکتی بعدی این مشکل را برطرف کرد. مثلاً چرا مجمع عمومی کارگران خباز در بیانیه خود حمایت خود را از مطالبات معلمان علناً اعلام نکرد؟ طبعاً یک عامل این بود که جمهوری اسلامی با نظامی کردن شهرهای کردستان، مانع راه افتادن تظاهرات و تجمع مردم در این شهرها در پشتیبانی از معلمین

#### ۱۰۰۰ یک جمع بندی کوتاه

اطلاعیه و یا هر ابتکار ممکن دیگری وارد حمایت از مبارزات معلمین در تهران و دیگر شهرستانها نشدند. به نظرم جا دارد فعالین مبارزات معلمان و یا در بخشهای دیگر و از جمله فعالین کارگری این واقعه را بررسی کنند که چه عواملی مانع گسترش این مبارزات شد

# دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!